

An apartment	یه آپارتمان
In the front	در جلو
A long time ago	خیلی وقت پیش
In front of your house	جلوی خونت
But he's a manager now.	ولی اون الان یه مدیره
Two doors	دوتا در
Most apartments have one door.	اکثر آپارتمانها یه در دارن
What does she teach?	چی درس میده؟
She teaches English.	انگلیسی درس میده
<hr/>	
Hello, Nasim.	سلام نسیم
Didn't I see you at the bank yesterday?	آیا من تو رو دیروز در بانک ندیدم؟
I think I saw you at the bank.	فکر میکنم تو بانک دیدمت
What were you doing there?	داشتی اونجا چکار میکردی؟
That wasn't me.	اون من نبودم
It was my brother.	برادرم بود
Do you have his picture?	عکسشو داری؟
No, I don't.	جواب منفی کوتاه
What was he doing there?	اون داشت اونجا چکار میکرد؟
He was trying to buy a house.	اون داشت سعی میکرد یه خونه بخره
He bought a house last year.	پارسال یه خونه خرید
But he doesn't like it anymore.	ولی دیگه ازش خوشش نمیداد
It's not big enough.	به اندازه کافی بزرگ نیست
They need a house.	اونها یه خونه لازم دارن
With at least three bedrooms	با حداقل سه تا اتاق خواب
They need a house with at least three bedrooms.	اونها یه خونه با حداقل سه تا اتاق خواب لازم دارن
They want a living room, too.	میخوان یه اتاق نشیمن هم داشته باشن
And they have to move soon.	و به زودی باید نقل مکان کنن
I think they should wait.	فکر میکنم اونها بایستی صبر کنن
He bought the house already.	اونها قبلاً خونه خریدن
They couldn't wait.	اونها نمیتونستن صبر کنن
He's married now.	الان متاهله
He's been married for a year.	یه ساله ازدواج کرده
And they're very happy together.	و با هم خیلی خوشبختن

Their house has a yard. There's a yard behind their house.	خونشون یه حیاط داره یه حیاط پشت خونشون هست
And they have a big window. In the living room And they have a big window in the living room.	و یه پنجره بزرگ دارن در اتاق نشیمن و یه پنجره بزرگ در اتاق نشیمن دارن
They can see the yard from there.	از اونجا میتونن حیاط رو ببینن
They usually sit in the living room.	اونها معمولاً توی اتاق نشیمن میشینن
Their house is next to the mall. Where's the mall? It's right next to the library.	خونشون کنار پاساژه پاساژ کجاست؟ درست کنار کتابخونه است
I thought they lived. Close to the zoo I thought they lived close to the zoo.	من فکر میکردم زندگی میکردن نزدیک به باغ وحش من فکر میکردم نزدیک باغ وحش زندگی میکردن

مکالمه

سلام آقا، میتونم کمکتون کنم؟

A: Yes, sir. Can I help you?

من و خانمم میخوایم یه بچه دیگه داشته باشیم، اما خونمون به اندازه کافی بزرگ نیست. من در حال حاضر پول کافی واسه خریدن خونه ندارم، اما میتونم پرداخت رو سر وقت انجام بدم اگه وام بگیرم.

B: My wife and I want to have another child, but our house isn't big enough. I don't have enough money right now to buy a house, but I can make the payments on time if I get a loan.

اگه همین الان خونه بخرید، بهره خیلی زیادی خواهید داد. من فکر میکنم شما بایستی تا سال آینده صبر کنید.

A: If you buy a house right now, you'll be paying a lot of interest. I think you should wait until next year.

آقا، شما متاهلید؟

B: Sir, are you married?

بله، چرا؟

A: Yes, why?

آیا خانمتون خونه بزرگ دوست داره؟

B: Doesn't your wife like a big house?

میدونم منظورت چیه. بذار بهت نشون بدم چکار میتونیم برات بکنیم.

A: I see what you mean. Let me show you what we can do for you.

ما در حال حاضر میدونیم کدوم خونه رو میخوایم. اتاق نشیمن داشته باشه، سه تا اتاق خواب، پنجره بزرگ، و یه حیاط. این همه چیزاییه که ما میخوایم رو داره.

B: We already know which house we want. It has a living room, three bedrooms, big windows, and a yard. It has all of the things we want.

آشپزخونه هم داشته باشه؟

A: Does it have a kitchen, too?

البته که داشته باشه، اما خیلی کوچکه.

B: Of course it does, but it's very small.

اون خونه رو نخرید. آشپزخونه بزرگ نداره.

A: Don't buy that house. It doesn't have a big kitchen.

اما ما آشپزخونه بزرگ لازم نداریم. ما ترجیح میدیم یکی کوچکتتر داشته باشیم.

B: But we don't need a big kitchen. We prefer a smaller one.

خونه کجاست؟

A: Where's the house?

توی خیابون اوشینه، درست کنار کتابخونه.

B: It's on Ocean Street, right next to the library.

اوکی. میرم خونه میبینم، و بعد تو میتونی وام بگیری.

A: Okay. I'll go look at the house, and then you can get a loan.

خیلی ممنونم.

B: Thanks a lot.

Didn't you live in Iran?

I used to live in Iran.

آیا تو در ایران زندگی نمیکردی؟

قبلاً ها در ایران زندگی میکردم

Didn't you have a house?

No, I didn't.

تو یه خونه نداشتی؟

جواب منفی کوتاه

I used to have.

An apartment

I used to have an apartment.

قبلاً ها داشتم

یه آپارتمان

قبلاً ها یه آپارتمان داشتم

But it was as big as a house.

It was a cute apartment.

ولی به بزرگی یه خونه بود

یه آپارتمان نازی بود

There was a yard.

In the front

There was a yard in the front.

یه حیاط بود

در جلو

یه حیاط در جلو بود

I liked your apartment.	من از آپارتمان تو خوشم میومد
I liked your old apartment.	من از آپارتمان قدیمیت خوشم میومد
I used to live there.	من قبلاًها اونجا زندگی میکردم
A long time ago	خیلی وقت پیش
I used to live there a long time ago.	من قبلاًها خیلی وقت پیش اونجا زندگی میکردم
How long did you live there?	چند وقت اونجا زندگی کردی؟
I lived there for a long time.	مدت زیادی اونجا زندگی کردم
There was a big yard in the front.	یه حیاط بزرگ در جلو بود
And one behind the apartment	و یکی در پشت آپارتمان
Your old apartment was nice.	آپارتمان قدیمیت خوب بود
There was a coffee shop right next to it.	یه کافی شاپ درست کنارش بود
We can still go there.	میتونیم هنوزم بریم اونجا
How long does it take?	چقدر طول میکشه؟
It takes an hour.	یه ساعت طول میکشه
It takes a long time.	خیلی طول میکشه
I used to live there a long time ago.	من قبلاًها خیلی وقت پیش اونجا زندگی میکردم
But it's too far.	ولی زیادی دوره
It takes too much time.	خیلی زیاد طول میکشه
Where's your car?	ماشینت کجاست؟
In front of your house	جلوی خونت
In front of the apartments	جلوی آپارتمانها
My car's in the front.	ماشینم جلوست
My car is in the front.	
I really like these apartments.	من واقعاً از این آپارتمانها خوشم میاد
I'd like to live here.	دلم میخواد اینجا زندگی کنم
Then you should move.	پس بایستی نقل مکان کنی
But my son's working in Houston now.	ولی پسرم داره الان در هیستون کار میکنه
We can't move.	نمیتونیم نقل مکان کنیم
Then don't move yet.	پس فعلاً نقل مکان نکن
Wait until he finds another job.	صبر کن تا اون یه شغل دیگه پیدا کنه
Close to here	نزدیک به اینجا
But he's a manager now.	ولی اون الان یه مدیره
I thought your son was a teacher.	فکر میکردم پسرت معلم بود
He used to be a teacher.	اون قبلاًها معلم بود
A long time ago	خیلی وقت پیش

But he's a manager now. But now he's a manager.	ولی حالا اون مدیره
He likes his new office. But he prefers his old office.	از دفتر جدیدش خوشش میاد ولی دفتر قدیمیش رو ترجیح میده
His new office has big windows. And two doors	دفتر جدیدش پنجره های بزرگ داره و دوتا در
It has two doors. It has a door in the front. And there's a door behind his office.	دوتا در داره یه در جلو داره و یه در پشت دفترشه
He likes to be a manager.	اون دوست داره یه مدیر باشه
Our house has three doors. Two in the front And one behind the house	خونمون سه تا در داره دوتا در جلو و یکی پشت خونه
Have you seen my keys?	کلیدامو دیدی؟ (دیده ای ؟)
They were next to the front door.	بغل در ورودی بودن
Most apartments have one door. Most people have apartments.	اکثر آپارتمانها یک در دارن اکثر مردم آپارتمان دارن
Most people in America live in apartments. But most families have houses.	اکثر مردم تو آمریکا تو آپارتمانها زندگی میکنن ولی اکثر خانواده ها خونه دارن
It's hard to find an apartment. With two doors	آپارتمان پیدا کردن سخته با دوتا در
Don't the bedrooms have doors? Yes, the bedrooms have doors. But most living rooms don't have doors.	آیا اتاق خوابها در ندارن؟ چرا اتاق خوابها در دارن ولی اکثر اتاق نشیمن ها در ندارن
We have a big yard in the front.	ما یه حیاط بزرگ در جلو داریم
Does your daughter live with you now? No, she lives alone. She bought a new apartment.	دخترتون الان با شما زندگی میکنه؟ نه، اون تنها زندگی میکنه یه آپارتمان تازه خرید
It doesn't take much time to get there.	خیلی طول نمیکشه تا برسیم اونجا
Is your daughter still a manager? No, she's not.	هنوزم دخترت مدیره؟ جواب منفی کوتاه

She's a teacher now.	اون الان معلمه
What does she teach?	چی درس میده؟
Does she teach Persian?	آیا فارسی درس میده؟
No, she doesn't teach Persian anymore.	نه، اون دیگه فارسی درس نمیده
She doesn't live alone.	اون تنها زندگی نمیکنه .
She lives alone.	تنها زندگی میکنه
She teaches English.	انگلیسی درس میده
She used to teach Persian.	اون قبلاً فارسی درس میداد
But now she teaches English.	ولی حالا انگلیسی درس میده
That's interesting.	چه جالب
I have a job for her if she wants.	یه شغل واسش دارم اگه بخواد
Let me give you her number.	بذار شمارشو بهت بدم
Let me know.	بذار بدونم (خیرم کن)
If she wants another job.	اگه یه شغل دیگه میخواد
Let me know if she wants another job.	بذار بدونم اگه یه شغل دیگه میخواد
I'll give her a good job.	من بهش یه شغل خوب خواهم داد
Then she can buy a better apartment.	بعد میتونه یه آپارتمان بهتر بخره
And a new car	و یه ماشین جدید
She doesn't need any of these things.	اون هیچی از اینا رو لازم نداره
She has a great job already.	همین الانشم یه کار عالی داره
She's busy most of the time.	اکثر اوقات سرش شلوغه
Is she going to college?	آیا اون داره دانشگاه میره؟
She went to college.	اون دانشگاه رفت
A long time ago	خیلی وقت پیش
She went to college a long time ago.	اون خیلی وقت پیش دانشگاه رفت
She's a teacher now.	الان معلمه
And she teaches English.	و انگلیسی درس میده
I hope to see her soon.	امیدوارم به زودی ببینمش
Call her.	بهش زنگ بزن
I'll call her soon.	به زودی بهش زنگ میزنم
But not if she doesn't want a job.	ولی نه اگه شغل نمیخواد
Where does she teach now?	الان کجا درس میده؟
She teaches in the valley.	در ولی درس میده

She could teach in Los Angeles
Instead of the valley
But the valley is in Los Angeles.

اون میتونست توی لس آنجلس درس بده
به جای ولی
اما ولی در لس آنجلسه

I think you should talk to her.
Okay. Take care.

من فکر میکنم تو بایستی باهاش حرف بزنی
اوکی ، مراقب باش

Apartment
An apartment
Front
From
Front
In the front
Manager
He's a manager.
Door
Two doors
Most
Most apartments
Most teachers
Most managers
Teach
She teaches English.
